

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



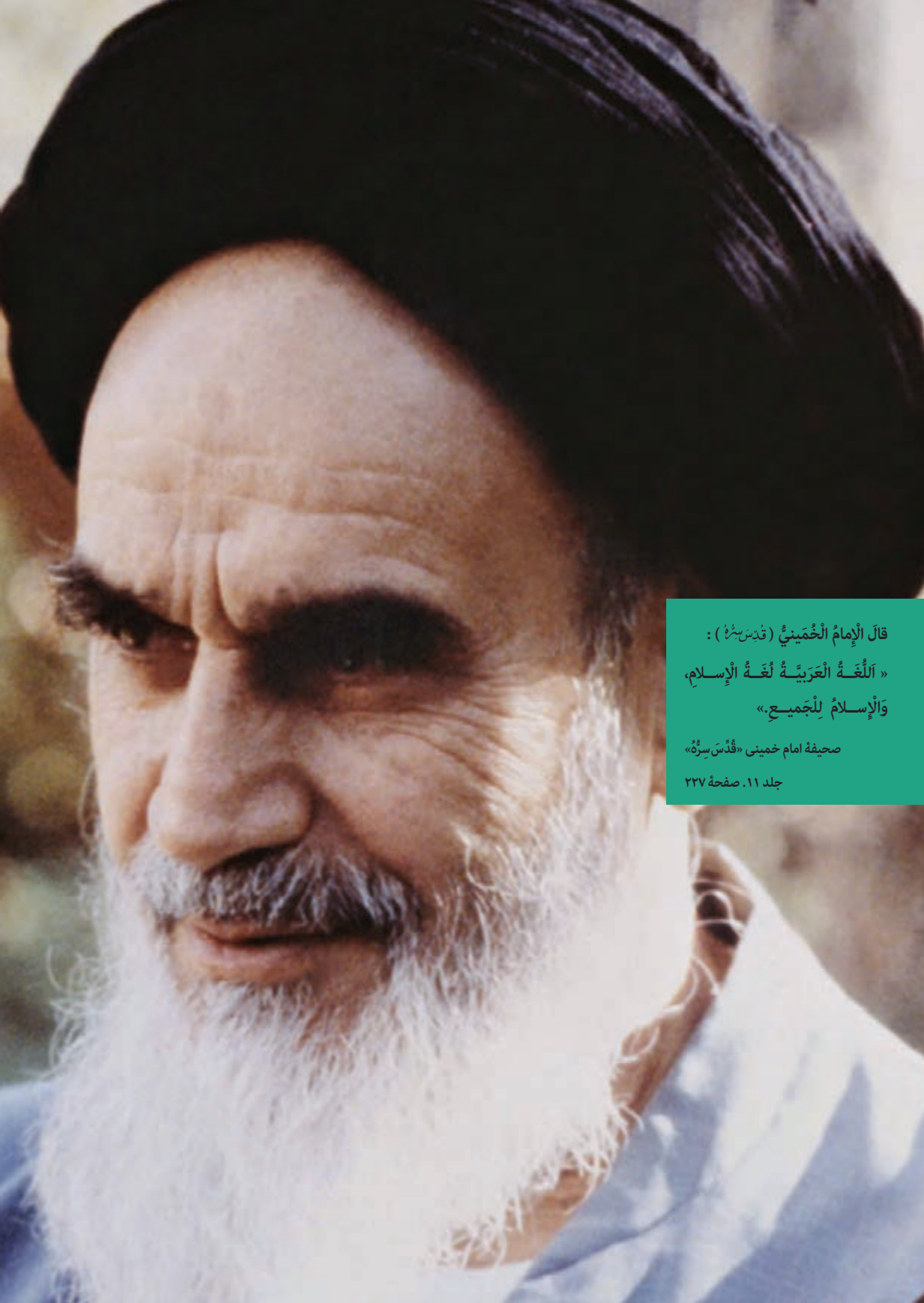


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلیری و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- عادل اشکیوس، علی چراغی، اباندر عباچی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح جلد و صفحه‌آرا) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چراغی، علیرضا ملکان، فاطمه پزشکی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هشتم ۱۴۰۳

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5



قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِي (قُدْسَ سِرُّهُ) :
« أَلَلُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ،
وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ. »

صحيفة امام خميني «قُدْسَ سِرُّهُ»

جلد ۱۱. صفحة ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۶ - ۱۴۰۵ تغییر نخواهد کرد.

أَلْفِهْرِسُ

- پیش گفتار الف
- الدرس الأول ۱
- من آيات الأخلاقِ + اسمُ التفضيلِ و اسمُ المكانِ + جوارٌ في سوقِ مشهد
- الدرس الثاني ۱۹
- في محضرِ المعلمِ + أسلوبُ الشرطِ و أدوائه
- الدرس الثالث ۳۳
- عجائبُ الأشجارِ + المعرفةُ و النكرةُ + جوارٌ في الملعبِ الرياضيِّ
- الدرس الرابع ۴۹
- آدابُ الكلامِ + الجملةُ بعدَ النكرةِ
- الدرس الخامس ۶۳
- الكذبُ مفتاحُ لكلِّ شرٍّ + ترجمةُ الفعلِ المضارعِ (۱) + جوارٌ في الصيدليةِ
- الدرس السادس ۷۵
- أنه ماري شيمل + ترجمةُ الفعلِ المضارعِ (۲)
- الدرس السابع ۸۹
- تأثيرُ اللغةِ الفارسيةِ على اللغةِ العربيةِ + معاني الأفعالِ الناقصةِ + جوارٌ مع الطيبِ

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

۳. کتاب معلّم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب، ۲۵۴ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، از ۱۱۳۴ واژه کتاب‌های عربی پایه هفتم تا دهم بسیاری از آنها نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پرسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۱۲ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها

و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکُنَّ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عده‌های اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون وقایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه. تشخیص المحل الإعرابي یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص اعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «نَمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: حَرَجْتُمْ، تَحَرَّجْتُمْ، أَحْرَجْتُمْ و إِسْتَحْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزء اهداف نیست.

۵ موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سنّ پر جوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست: (معرفه به ال و عَلم).

۶ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. ۷ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. این داستان برای دانش آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «كَيْ، لَ، لِيْكَ وَ حَتَّى» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طراح نمی‌شود. هدف این است که دانش آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَبْرَأَنَّ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۸ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمیل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «لَمْ، لَ و لا» است. هدف این است که دانش آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست.

۹ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ التَّوْنِجِي. مَكْتَبَةُ لَبْنَانَ نَاشِرُونَ.
ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السُّیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.
واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.
الْمُهْدَبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السُّیوطی. مَكْتَبَةُ مَشْكَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ.
قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ وَ أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۱۰ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب

درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دورهٔ اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هما، هم، هی، هُما، هُنَّ، أنت، أنْتِما، أنْتُم، أنتِ، أنْتِما، أنْتُنَّ، أنا، نحنُ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوهٔ طرح آن، همراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۶ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۷ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۸ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

برای همهٔ همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ پیغام بگذارید.



نظر سنجی کتاب درسی

سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است.

این کتاب ادامهٔ چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمهٔ متون و عبارات کتاب بر عهدهٔ شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست. در آزمون‌هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می‌کنند بسیاری از سوالات خارج از اهداف آموزشی است و جنبهٔ معما دارد، یا اینکه حجمش آن قدر زیاد است که دانش‌آموز در پاسخ‌دهی وقت کم می‌آورد. لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دل‌سردی می‌شوند.

برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، متون و واژگان درس‌ها را پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در سخنرانی، انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایهٔ تحصیلی یازدهم تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمهٔ متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

این کتاب نیازی به کتاب کار ندارد و تهیهٔ کتاب کار موجب لطمه به روند آموزشی خواهد گردید. اگر مدرسه شما ساعت اضافه برای درس عربی اختصاص داده، بهتر است که این زمان صرف تقویت مهارت‌های شفاهی زبان شود.

که را ز سخوی بود سرشت
نمید ز طاووس جزای زشت

(سعدی)



الَّذِينَ آمَنُوا



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجُرَات: ١٢و١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

گر راز خوبی بود مرشد نینزد ما دوسر چنانی زشت



تَنصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْيُبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تَلْقُبُوهُمْ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا.
بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ **الِاسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ
بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.**

■ **سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ
بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.**

■ **التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ
النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا
وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.**

■ **وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ
التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.**

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي
جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



إِنْفَى : پروا کرد (مضارع: يَنْفَى)

إِتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید

إِنَّم : گناه = ذَنْبٌ

إِسْتِهْزَأَ بِ : ریشخند کردن

(أَسْتَهْزَأُ، يَسْتَهْزِئُ)

إِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لَا يَغْتَبُ : نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنَّ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بِئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد

(مضارع: يَتَجَسَّسُ)

تَسْمِيَةٌ : نام دادن، نامیدن

(سَمَّى/ يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَّابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَمٌ : حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسَخِّرُ / مصدر: سُخَّرِيَّةٌ)

لَا يَسَخِّرُ : نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعْيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَّمَا

فُسُوقٌ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قَدْ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كَبَائِرُ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كِرِهٌ : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرْدَةٌ = مرده

«جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعَرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ.

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَخَاكَ وَ أُخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.

۵- أَلْسَعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

اعلموا

اسم التفضيل و اسم المكان

■ اسم تفضيل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضيل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلُ دَمَاوندِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلُ دَمَاوندِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلُ دَمَاوندِ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. أَلْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛

مثال: فاطمه أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جَمْعُ أَرْدَلٍ وَ أَفَاضِلُ جَمْعُ أَفْضَلٍ اسْت).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر»

دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱ سئِلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ^۳ مَعَ إِيْمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیانند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِن» است، یا به صورتِ «مضاف» می‌آید؛ مثال:

۱ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ.

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- سئِلُ: از ... پرسیده شد ۲- الرَّجُلُ: انسان، مرد ۳- السَّكِينَةُ: آرامش ۴- حَيٌّ: بشتاب

١ ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى^١ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدْر: ٣



٤ مَنْ غَلَبَتْ^٢ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

٥ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

٢- غَلَبَتْ: چیره شد

١- أَهْدَى: هدیه کرد

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه
مَوْقِف: ایستگاه مَنْزِل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَاتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ^۱ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ^۲ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

التَّحْل: ۱۲۵

۲ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ الأَعْلَى: ۱۷

۳ كَانَتْ مَكْتَبَةً «جُنْدِي سابور» فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



۱- جادل: بحث کن ۲- ضل: گمراه شد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في سوقِ مَشْهَد)

بائعُ المَلابِسِ

الزَّائِرَةُ العَرَبِيَّةُ

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَباً بِكَ.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.

سِتُونَ أَلْفَ تومَان.

كَمْ سَعْرُ هَذَا القَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟

عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تومَان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي.

أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ
بَنَفْسَجِيٌّ.

أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

تَبْدَأُ الأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفاً إِلَى
خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومَان.

بِكَمْ تومَان هَذِهِ القَسَاتِينُ؟

سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.^٢

الأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!

السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَان، وَ السَّرْوَالُ
النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَان.

بِكَمْ تومَان هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟

ذَلِكَ مَتَجَرٌّ^٣ زَمِيلِي^٤؛ لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.

أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.

١- سَعْر: قیمت «جمع: أَسْعَار» ٢- نَوْعِيَّة: جنس ٣- مَتَجَر: مغازه ٤- زَمِيل: همکار

فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ...

صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.
أَعْطَيْنِي بَعْدَ التَّخْفِيزِ مِئَتَيْنِ وَعِشْرِينَ أَلْفًا.

رَجَاءً، أَعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ...
كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟



١- تَخْفِيز: تَخْفِيف

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- جَعَلَهُ حَرَامًا:

.....

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

.....

٣- الدُّنُوبُ الكَبِيرَةُ:

.....

٤- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ:

.....

٥- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

.....

٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

.....

التَّمرينُ الثَّانِي: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

.....

٢- مَنْ سَاءَ^١ خُلُقُهُ عَذَّبَ^٢ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

.....

٣- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ^٣ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)

.....

٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ^٤ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ)

.....

التَّيْمِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصَدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنُ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَفْتَرِبُونَ:	لَا تَفْتَرِبُوا:	إِفْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	إِنْكَسَار: شکسته شدن
اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ:	اسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِعْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَتَبَادَلُونَ:	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَأَلْمِثَالِ:

١- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

٢- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

٣- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ٢٦

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- أَلْسُكُوتٌ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالْجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾: الْمَائِدَةُ: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: يَس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

٧- يَا غَفَّارَ الدُّنُوبِ:

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صَبَاح مَسَاء لَيْل مَيّت
- ٢- عُجْب لَحْم فُسُوق إِثْم
- ٣- كَبَائِر نِسَاء رِجَال أَوْلَاد
- ٤- سَخِرَ عَابَ سَاعَدَ لَمَزَ
- ٥- أَحْمَرَ أَحْسَنَ أَجْمَلَ أَصْلَحَ
- ٦- أَصْفَرَ أَزْرَقَ أَيْبَضَ أَكْثَرَ

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعْ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- اِشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيسَةٍ فِي المَنْجَرِ.
- سَرَاوِيل أَشْهُرًا مَوَاقِفَ
- ٢- مَن المُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَدِرَ إِلَيْهِمْ.
- اِغْتَابَ اِتَّقَى مَدَحَ
- ٣- حَمْسَةٌ وَسِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي
- اِثْنَيْنِ وَارْبَعِينَ اِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ اَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ
- ٤- أَرَادَ المُشْتَرِي السُّعْرَ.
- نَوْعِيَّةَ مَنجَرَ تَخْفِيزَ

■ اسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتِيحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنَّاكَ، وَ أَيَقِنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ، وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظْمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندان.

اللَّهُمَّ أَذْنَتِي لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي، وَ أَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَ أَقِلْ يَا عَفُورُ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَ هُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

خدایا، در فراخواندن و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوههایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آمِينِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْكَأً وَ أَنْمَى وَ أَطْيَبَ وَ أَطْهَرَ وَ أَسْنَى وَ أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بنده‌ات، فرستاده‌ات، امانت‌دارت، برگزیده‌ات، یارت، بهترین آفریده‌ات، نگاهدارِ رازت، رسانندهٔ پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.





الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

الْعَلَقِ: ٣ و ٤

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضْرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبُورَةِ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعَنُّتًا؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.



فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ: إِنْ تَطَالَعْتَ كِتَابَ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ؛ ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانُ إِنْشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ:

إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ:

... أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطَّالِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَمَّا هُنا:

١ أَنْ لَا يَعْصِي أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ.

٢ الِاجْتِنَابُ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ.

٣ أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ آدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

٤ عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.

٥ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.

٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلامِ، وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْكَلَامِ.

٧ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةٍ.

لَمَا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ إِِنْشَاءَ مَهْرَانَ، حَجَلٌ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدَ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبَجِيلَا

يَبْنِي وَ يُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَعَلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي

عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست‌شناسی

فَكَرَّ : اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)

فَمَ : برخیز ← (قَامَ، يَقُومُ)

كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)

مَجَالُ : زمینه

مُشَاغِبُ : شلوغ‌کننده و اخلاک‌گر

وَافَقَ : موافقت کرد (مضارع: يُوَافِقُ)

وَفَى : کامل کرد (مضارع: يُوَفِّي)

«وَفَى التَّبَجِيلُ: احترامش را کامل به‌جا

بیاور.»

هَمَسَ : آهسته سخن گفت

(مضارع: يَهْمِسُ)

تَعَنَّتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به

منظور به سختی و لغزش انداختن

تَنَبَّهَ : آگاه شد

(مضارع: يَتَنَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ

حِصَّةُ : زنگ درسی، قسمت

حَجَلٌ : شرمنده شد (مضارع: يَحْجَلُ)

سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)

سَبَّوْرَةٌ : تخته‌سیاه

سُلُوكُ : رفتار

صَرَّ : زیان رساند (مضارع: يَصُرُّ)

عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)

أَجَلٌ : گران‌قدرتر

ارْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)

اسْتَمَعَ : گوش فراداد (مضارع: يَسْتَمِعُ)

الْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)

الْتِفَاتُ : روی برگرداندن

الْتَفَّتْ : روی برگرداند

(مضارع: يَلْتَفِتُ)

الْفَ : نگاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)

أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)

تَارَةً : یک بار = مَرَّةً

تَبَجِيلٌ : بزرگداشت

أَكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

٣- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

٤- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟

٥- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أُسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟



اعلموا

أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و اِنْ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمُ مِنَ الْخَطِّ غَالِباً.^۱

جواب شرط

فعل شرط

ادات شرط

إِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخِرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

جواب شرط

فعل شرط

ادات شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲ الطَّلَاق: ۳

جواب شرط

فعل شرط

ادات شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.



۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «اِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایه نهم در فعل نهی آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه‌ی انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. \leftarrow «... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلِينَ، أَفْعَلُونَ و أَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲- حَسْبُ: بس، کافی

۳- يَتَوَكَّلْ: توکل کند

■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

■ «مَنْ: هرکس» مثال:



مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

■ «مَا: هرچه» مثال:



مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.

■ «إِنْ: اگر» مثال:



إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.



■ «إِذَا: هرگاه، اگر»؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:



إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱ ﴿وَمَا تَقْدِمُوا^۲ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۱۰

۲ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ^۳ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّدٌ: ۷

۳ ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۴﴾ الْفُرْقَانُ: ۶۳



۴ ﴿إِنْ تَزْرَعُوا الْعُدُونَ، تَحْصُدُوا الْخُسْرَانَ.

۱- ما يلي: آنچه می آید ۲- ما تُقَدِّمُوا: هرچه را از پیش بفرستید ۳- يُثَبِّتُ: استوار می سازد

۴- خَاطَبَ: خطاب کرد ۵- سلام: سخن آرام



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

- ١- اَلتَّعَنُّتُ طَرَحُ سُؤَالٍ صَعِبٍ يَهْدَفُ إِيجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْؤُولِ.
- ٢- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعُنَاصِرِ.
- ٣- الْأَلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.
- ٤- اَلسَّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٧٣ (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ)
- ٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَن عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (إِسْمُ الْفَاعِلِ)
- ٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا^٢. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدُهُ)
- ٤- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْفَاعِلِ)
- ٥- الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا^٣. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)
- ٦- قُمْ عَن مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا^٤. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (إِسْمُ الْمَكَانِ وَاسْمُ الْفَاعِلِ)

١- الْأَجْرُ: بِإِشَارَةِ، مُزِدٌ ٢- جَهْلٌ: نِدَانَسْتُ ٣- اَلْمَيِّتُ: مُرْدَةٌ ٤- وَ إِنْ كُنْتُ أَمِيرًا: إِكْرَاهُ فَرْمَانِدُهُ بِأَشَى

التَّامِرِينَ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

المصدر	الأمر والنهي	المضارع والمستقبل	الماضي
إِنْقَادًا: نجات دادن	أَنْقَدُ:	يُنْقَدُ: نجات می دهد	قَدْ أَنْقَدَ:
إِبْتِعَادًا: دور شدن	لَا تَبْتَعِدُ:	لَا يَبْتَعِدُ: دور نمی شود	إِبْتَعَدَ:
إِنْسِحَابًا: عقب نشینی کردن	لَا تَنْسَحِبُ:	سَيَنْسَحِبُ:	إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد
إِسْتِخْدَامًا:	إِسْتَحْدِمُ: به کار بگیر	يَسْتَحْدِمُ:	إِسْتَحْدَمَ: به کار گرفت
مُجَالَسَةً:	جَالِسٌ:	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسَ: همنشینی کرد
تَدَكُّرًا: به یاد آوردن	لَا تَتَدَكَّرُ:	يَتَدَكَّرُ:	تَدَكَّرَ: به یاد آورد
تَعَايُشًا: همزیستی کردن	تَعَايُشُ: همزیستی کن	يَتَعَايُشُ:	تَعَايَشَ:
تَحْرِيمًا:	لَا تُحْرَمُ:	يُحْرَمُ: حرام می کند	قَدْ حُرِّمَ: حرام کرده است

التمرين الرابع: صَعِّ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هُذَانِ الْمُكَيِّفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أَوْلَيْكَ مُسْتَمِعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التمرين الخامس: صَعِّ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمُنْتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (=) (≠)

وُدٌّ / بَعْدٌ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَآيَةٌ / عَدَاوَةٌ / اِحْتِرَامٌ / اَحْيَاءٌ / مَرَّةٌ / نَفَعَ / ذَنْبٌ / هَرَبَ

إثم =	تَبْجِيلٌ =	تَارَةٌ =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أَمْوَاتٌ ≠	دَنَا ≠	قُمٌّ ≠
صَرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صَدَاقَةٌ ≠

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾ البقرة: ۱۹۷

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

۲- ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ الإسراء: ۷

اگر نیکی کنید، به خودتان

۳- ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الأنفال: ۲۹

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

۴- إِذَا غَضِبْتَ، فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه ،

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

الْتَمَرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمُشَاغِبُ : هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.

۲- الْحِصَّةُ : هُوَ الَّذِي يُسَبَّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ.

۳- الْفُسُوقُ : مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوَظَّفٍ.

۴- الْأَجْرُ : تَرَكُ أَمْرِ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي.

۵- أَلَاتِلِفَاتُ : أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ.

۶- السُّلُوكُ :

۱- فُرْقَان: جداکننده حق از باطل

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

مَعَاصِي	أَخْلَاقٌ	أَنْفُسٌ	أَحْيَاءٌ	أَمْوَاتٌ
.....
جُنُودٌ	بِطَاقَتَانِ	نَاجِحَاتٌ	أَعْدَاءٌ	طُلَّابٌ
.....
خَوَاصٌّ	أَقْدَامٌ	فَسَاتِينٌ	أَسْعَارٌ	ذُنُوبٌ
.....
عُيُوبٌ	عُيُوبٌ	أَسْمَاءٌ	سَرَائِلٌ	مَلَاعِبٌ
.....
إِخْوَانٌ	عِبَادٌ	بِهَائِمٌ	أَفْضَلٌ	كِبَائِرٌ
.....
تَرَائِبٌ	جُمَلٌ	أَعْمَالٌ	مُسْتَمِعُونَ	مُكَيِّفَانِ
.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ فِي كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ ثُمَّ اكْتُبْهُ.



أَلْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. الْإِمَامُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.
زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعَنْبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ
باقي أشجار العالم، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ،
وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جُدْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ
مُوصَفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً
طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكْوِيَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ
العالم في كاليفورنيا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا
أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ
أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ عُمْرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ
خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً.



الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنُمُو فِي بَعْضِ
الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالِاتِّفَافِ
حَوْلَ جِذَعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا، ثُمَّ تَحْنُقُهَا
تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشَمِ
الَّتِي تَقَعُ فِي مَحَافِظَةِ هُرْمُزَانَ.



مَدِينَةُ بُرْدُخُونِ فِي مَحَافِظَةِ بوشهر.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنُمُو فِي
جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نَهَائَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ
 مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَتَحْتَوِي بُذُورُهَا عَلَى
 مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّتَةٍ. وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا.
 وَ يوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكشَهْر بِمُحَافَظَةِ سِيستَان وَ بَلُوشِستَان بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَاد.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتُ
 جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلَام وَ لُرِستَان. يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوَازِتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ
 تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوَزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

﴿...﴾ : إِرْزَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ. ﴿...﴾

كشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر
 و خوب تر از آن انجام نداده اند.

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین

إِشْتَعَالَ : برافروخته شدن، سوختن
(اشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)

أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنَ،
أَفْضَلَ

أَغْصَانَ، غُصُونٍ : شاخه ها
«مفرد: غُصْنٌ»

إِلْتِفَافٍ : در هم پیچیدن
(الْتَفَّ، يَلْتَفُّ)

بُدُورٍ : دانه ها «مفرد: بَدْرٌ»

جَذَعٌ : تنه «جمع: جُذوع»

جُزُرٌ : جزیره ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»

جَوْزَةٌ : دانه گردو، بلوط و مانند آن
حَتَّقَى : خفه کرد (مضارع: يَحْتَقُّ)

خَانِقٍ : خفه کننده

سَبَبٌ : سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)

سِيَاجٍ : پرچین

غَازٍ : گاز

فَالِقٍ : شکافنده

لُبٍّ : مغز میوه

مَحَاصِيلُ : محصولات

أَلْمُحِيطُ الْهَادِيُّ : اقیانوس آرام

مُزَارِعٌ : کشاورز = زَارِعٌ، فَلَاحٌ

مُعَمَّرٌ : کهن سال

مُلَوَّثٌ : آلوده کننده

مُواصَفَاتٌ : ویژگی ها

تَبَّتْ : روئید (مضارع: يَتَبْتُ)

تَصِيفٌ : توصیف می کنیم

نَوَى : هسته

صَغَ فِي الْفَرَاعِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- تَبَدَّ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا.

۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زَيْوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ مُلَوَّثَةٍ.

۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي إِيلَامَ وَ لُرِستان.

۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ مِتر.

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْجُبْرِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ كَالْجُبْرِ.

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى شَجَرَتِهِ.

اعلموا

الْمَعْرِفَةُ وَالنَّكِرَةُ

■ اسم **معرفه** اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده **شناخته** شده است؛ اما

اسم **نکره**، **ناشناخته** است. مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مثال:

جاءَ مُدَرِّسٌ: معلّمی آمد. جاءَ المُدَرِّسُ: معلّم آمد.
وَجَدْتُ قَلَمًا. قلمی را یافتم. وَجَدْتُ القَلَمَ. قلم را یافتم.

■ معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود،

می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنَبَ صَاحِبِهَا.

اسب‌هایی را دیدم. **آن اسب‌ها** کنار صاحبشان بودند.



کلمهٔ **أفراساً** «نکره» است. اسم نکره نزد گوینده، شنونده، یا خواننده ناشناخته است؛ اسم

نکره معمولاً تنوین (ـَ، ـِ، ـُ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلٍ و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاءَ رَجُلٌ.

- اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...
- اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسٌ، كَاطِمٌ و حَسِينٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است.
- سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد؛ مثال:
 الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است. فَرِيفُنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.
 در دو مثال بالا كَنْزٌ و فَائِزٌ تنوین دارند؛ اَمَّا نیازی به نکره معنا کردن نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ مَا يَلِي ١ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

- ١ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاةٍ ٢ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ٣﴾ النور: ٣٥



- ٢ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ...﴾ المزمّل: ١٥ و ١٦

- ٣ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- ما يلي: آنچه می‌آید ٢- المِشْكَاةُ: چراغدان ٣- الدَّرِّيُّ: درخشان

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار

(في المَلْعَبِ الرِّياضِيِّ)

إبراهيم	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟	تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.
بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟	لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
الْفَرِيقَانِ تَعَادَلًا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	أَتَذَكَّرُ ^٣ ذَلِكَ.
عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبْ.	كَلَّا هُمَا قَوِيَّانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ ^٤ مِنَ الْمُتَمَفِّرِينَ ^٥ .

في المَلْعَبِ

هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى ^٦ فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفٌ، هَدَفٌ!	أَنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. سَيَسْجَلُ ^٧ هَدَفًا ^٨ .
رُبَّمَا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ ^٩ .	لَكِنَّ الْحَكَمَ ^{١٠} مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟!
يُعْجِبُنِي ^{١١} جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى ^{١٢} فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	أَنْظُرْ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.
مَنْ يَسْجَلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ.	مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ؟
لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفِ.	الْحَكَمُ يَصْفِرُ.



- ١- الْمُبَارَاةُ: مسابقة
 ٢- تَعَادَلْ: برابر شد
 ٣- أَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورم
 ٤- كِلَا: هر دو
 ٥- أَنْ يَمْتَلِئَ: که پر شود
 ٦- الْمَتَمَفِّرُج: تماشاچی
 ٧- سَيَسْجَلُ: ثبت خواهد کرد
 ٨- الْهَدَفُ: گُل
 ٩- الْمَرْمَى: دروازه
 ١٠- الْحَكَمُ: داور
 ١١- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آید (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)
 ١٢- حَارِسُ الْمَرْمَى: دروازه‌بان

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.
- ٢- اَلتَّجْمُعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.
- ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْرًا طَوِيلًا.
- ٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ.
- ٥- صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ما مِنْ^١ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا^٢ فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.
- (الْجَارُ وَالْمَجْرُورَ، وَاسْمَ الْفَاعِلِ)



- ٢- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.
- (الْفِعْلَ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولَ)

- ٣- سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَالْفَاعِلَ)

١- ما مِنْ: هيچ ... نيست ٢- غَرْسٌ: نهال

التَّمرينُ الثَّالثُ: أَجِبْ عَنِ الأَسئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبِ الصُّورِ.



فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الأَهْرَامُ؟



بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى المَدْرَسَةِ؟



لِمَنْ هَذَا التَّمثالُ؟



كَيْفَ الجَوُّ فِي أَرْدبَيْلٍ فِي الشِّتَاءِ؟



مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النِّهْرِ؟



هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟

أف: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.

صدای عجیب را شنیدم.

صدای عجیبی را شنیدم.

۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.

به روستا رسیدم.

به روستایی رسیدم.

۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي

نگاه به گذشته

نگاهی به گذشته

۴- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

بندگانِ درستکار

بندگانِ درستکار

۵- أَلْسَوَارُ الْعَتِيقُ

دستبندی کهنه

دستبندِ کهنه

۶- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ

تاریخ زرین

تاریخی زرین



ب: تَرْجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.



سَجَلَتْ مُنْتَظَمَةً الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ .^٢



عِمَارَةٌ خُسْرُو آبَاد فِي سَنَدَجِ تَجْدِبُ سِيَّاحًا^٣ مِنْ مُدُنِ إِيْرَانِ. حَدِيْقَةُ شَاهَزَادَه قُرْبَ كِرْمَانِ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كُرْدْ كَلَا^٤ فِي مَحَافِظَةِ مَارَزَنْدَرَانِ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيْمَةِ.

٢- قَائِمَةُ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لِيَسْتَ مِيرَاثِ جِهَانِي
٤- تَكِيَّةُ كُرْدْ كَلَا مِنْ آثَارِ مَلِيْ إِيْرَانِ فِي شَمَالِ شَهْرِسْتَانِ جَوِيْبَارِ

١- أُشِيرَ: إِشَارَةٌ شَدَّ
٣- سِيَّاحٌ: كَرْدِشْكَرَانِ، مَفْرَدٌ أَنْ: سَائِحٌ

التَّمرينُ الخَامِسُ: عَيِّنِ الكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الفِعْلِ المَاضِي.

اسْمُ الفَاعِلِ	المَصْدَر	فِعْلُ الأَمْرِ	الفِعْلُ المُضَارِعُ	الفِعْلُ المَاضِي
<input type="checkbox"/> مُوَافِقُ	<input type="checkbox"/> تَوَفِيقُ	<input type="checkbox"/> وَافِقُ	<input type="checkbox"/> يُوَافِقُ	وَافَقَ
<input type="checkbox"/> مُوَفِّقُ	<input type="checkbox"/> مُوَافَقَةٌ	<input type="checkbox"/> وَفَّقَ	<input type="checkbox"/> يُوَفِّقُ	
<input type="checkbox"/> مُقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> تَقَرُّبُ	<input type="checkbox"/> قَرَّبَ	<input type="checkbox"/> يُقَرِّبُ	تَقَرَّبَ
<input type="checkbox"/> مُتَقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> تَقْرِيبُ	<input type="checkbox"/> تَقَرَّبَ	<input type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	
<input type="checkbox"/> مُتَعَارِفُ	<input type="checkbox"/> مُعَارَفَةٌ	<input type="checkbox"/> تَعَارَفَ	<input type="checkbox"/> يَتَعَرَّفُ	تَعَارَفَ
<input type="checkbox"/> مُعَرَّفُ	<input type="checkbox"/> تَعَارُفُ	<input type="checkbox"/> اِعْرَفَ	<input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُ	
<input type="checkbox"/> مُشْتَغِلُ	<input type="checkbox"/> اِنْتِغَالُ	<input type="checkbox"/> اِسْتِغْلَ	<input type="checkbox"/> يَنْشَغِلُ	اِسْتِغْلَلَ
<input type="checkbox"/> مُنْشَغِلُ	<input type="checkbox"/> اِسْتِغَالُ	<input type="checkbox"/> اِنْشَغَلَ	<input type="checkbox"/> يَشْتَغِلُ	
<input type="checkbox"/> مُتَفَتِّحُ	<input type="checkbox"/> اِسْتِفْتِاحُ	<input type="checkbox"/> اِنْفَتِحَ	<input type="checkbox"/> يَفْتَتِحُ	اِنْفَتَحَ
<input type="checkbox"/> مُنْفَتِحُ	<input type="checkbox"/> اِنْفِتَاحُ	<input type="checkbox"/> تَفْتَحَ	<input type="checkbox"/> يَنْفَتِحُ	
<input type="checkbox"/> مُسْتَرْجِعُ	<input type="checkbox"/> اِرْتِجَاعُ	<input type="checkbox"/> اِسْتَرْجِعَ	<input type="checkbox"/> يَسْتَرْجِعُ	اِسْتَرْجَعَ
<input type="checkbox"/> مُرْجِعُ	<input type="checkbox"/> اِسْتِرْجَاعُ	<input type="checkbox"/> رَاجَعَ	<input type="checkbox"/> يَرْتَجِعُ	
<input type="checkbox"/> مُنَزَّلُ	<input type="checkbox"/> نَزُولُ	<input type="checkbox"/> اِنزِلَ	<input type="checkbox"/> يُنْزِلُ	نَزَلَ
<input type="checkbox"/> نَازِلُ	<input type="checkbox"/> تَنْزِيلُ	<input type="checkbox"/> نَزَّلَ	<input type="checkbox"/> يُنْزِلُ	
<input type="checkbox"/> اَكْرَمُ	<input type="checkbox"/> اِكْرَامُ	<input type="checkbox"/> اَكْرَمَ	<input type="checkbox"/> يُكْرِمُ	اَكْرَمَ
<input type="checkbox"/> مُكْرِمُ	<input type="checkbox"/> تَكْرِيمُ	<input type="checkbox"/> كَرَّمَ	<input type="checkbox"/> يُكْرِمُ	

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- يُشَجِّعُ الْ..... فَرِيْقَهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. مُوَاصَفَاتُ مَتَاجِرُ مُتَفَرِّجُونَ
- ٢- شُرْطِي الْمُرُورِ حَتَّى تَتَوَقَّفَ السِّيَّارَاتُ. يَصْفِرُ يَتَعَادَلُ يَمْتَلِي
- ٣- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. تَخْفِيضُ مِفْتَاحِ مَشْكَاةِ
- ٤- جَدِّي لَا بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. يَغْرَسُ يَتَذَكَّرُ يَنْبُتُ
- ٥- شَارَكَ زُمْلَاؤُنَا فِي عِلْمِيَّةٍ. مُبَارَاةِ اِتِّفَافِ بُذُورِ
- ٦- سَجَّلَ لِاعْبُنَا رَائِعًا. جِدْعًا هَدَفًا نَوْعِيَّةً

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: اُكْتُبْ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

سَائِحٌ =	أَثْرٌ =	تَارِيخٌ =	قَرِيْبَةٌ =
عَبْدٌ =	دَوْلَةٌ =	بَهِيْمَةٌ =	مَلْعَبٌ =
رَسُوْلٌ =	سِرْوَالٌ =	عُصْنٌ =	شَجَرٌ =
زَيْتٌ =	حَيٌّ =	قَبْرٌ =	

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُدُورُ النَّبَاتَاتِ جَوَازُ الْبَلُوطِ جِدَارُ الْعِمَارَةِ جُدُوعُ الْأَشْجَارِ
- ٢- حَارِسُ الْمَرْمِي كُرَّةُ الْقَدَمِ حَكْمُ الْمُبَارَاةِ زُجَاجَةُ الْمِصْبَاحِ
- ٣- مَدِينَةٌ بَهِيمَةٌ قَرْيَةٌ مُحَافَظَةٌ
- ٤- شُرْطِيٌّ حَبَّازٌ حَدَّادٌ ذِكْرِيٌّ
- ٥- سِيَاجٌ آلَافٌ مِئَاتٌ عَشْرَاتٌ

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ)

- ٦- تِمثالٌ إِيلامٌ سَنَدَجٌ كِرْمَانِشاهٌ
- ٧- أَلْسِيَّاحٌ شَارِعٌ أَلْسَاحَةٌ أَلْمُنْظَمَةٌ
- ٨- أَلْفَرِيقُ أَلْهَدَفُ أَلْبِسَةُ أَلْمَتَفَرِّجُ
- ٩- سَعِيدٌ سِنْجَابٌ مَحْمُودٌ صَادِقٌ
- ١٠- فَاطِمَةٌ زَهْرَاءُ مَعْصُومَةٌ إِمْرَأَةٌ

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ حَوْلَ أَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.





الدرس الرابع



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب: ٧٠)

لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَدْعُو الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل: ١٢٥)

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف: ٢) وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِيعِينَ، لِكَيْ يُفَنِّعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّةَهُمْ، «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ «عَوَّدَ لِسَانَكَ لِيَنَّ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرِضُ نَفْسَهُ لِلتَّهْمِ؛ «اتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الْمُتَكَلِّمِ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسْلَمٌ مِنَ الرَّزْلِ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ بِمَا
تَخَافُ تَكْذِيبَهُ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

طوبى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



وَقَفَ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطَ
يَفْتَحِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَظْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَكَ.

۱- ما قَلَّ وَ دَلَّ: آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند).

لِکَي يُفْنِعَ : تا قانع کند
(أَفْنَعُ، يُفْنَعُ)
لَيِّنُ : نرم ≠ حَشِنُ
لَيِّنُ : نرمی ≠ حُشُونَةٌ
مَخْبُوءٌ : پنهان = خَفِيٌّ
يُعْرَضُ : در معرض می‌گذازد
(مَاضِي: عَرَضَ)

عَوَّدَ : عادت داد
(مُضَارِع: يُعَوِّدُ)
قَلِيلَةٌ : کمی ≠ كَثِيرَةٌ
كَلَّمَ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ
(مُضَارِع: يُكَلِّمُ)
لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو
(حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
لَا تَقْفُ : پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)

أَدْعُ : فرا بخوان
(دَعَا، يَدْعُو)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند
(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)
تُهَمُّ : تهمت‌ها «مفرد: تُهَمَّة»
زَلَّ : لغزش
سَدِيدٌ : درست و استوار
طَوْبَى لِي : خوشا به حال



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



.....

۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَأٍ.

.....

۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.

.....

۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْأَخْرَيْنَ بِلِسَانِنَا.

.....

۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.

.....

۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

اعلموا

الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از **اسمی نکره** فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شاهدنا سنجاباً يَفْزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرید.



إرضاء النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

رَأَيْتُ وَوَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَوَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از **اسم نکره** «وَلَدًا» **فعل مضارع** آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و **فعل مضارع** نیز معمولاً **ماضی استمراری** ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع ⇐ ماضی استمراری

ترجمه

■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دَقَّتْ کنید.

أُقْتِشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أُشَاهِدُ طَالِبًا يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ⇐ مضارع التزامی یا مضارع اخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دَقَّتْ کنید.

إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتَهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ⇐ ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^١ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^٢ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^٣ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيَابِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

٣- لَا تُرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

٢- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند

١- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

عِلْمٌ ، النَّارِ ، عُقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةِ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- ﴿ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ ﴾ النَّحْلُ: ١٢٥

٢- ﴿ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ ﴾ الْإِسْرَاءُ: ٣٦

٣- ﴿ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا ﴾ الصَّفِّ: ٢

٤- كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

٥- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ



التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنْ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ وَ الْجَارَ وَالْمَجْرُورَ)

٢- أَتَقَى التَّائِبِينَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- أَلْعِلْمُ نُورٌ وَ ضِيَاءٌ يَفْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْمُبْتَدَأَ وَ الْفَاعِلَ)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا^٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(فِعْلَ الْأَمْرِ وَ الْمَفْعُولَ)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

(الْمُضَارِعَ الْمَنْفِيَّ وَ فِعْلَ النَّهْيِ)



الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثْنَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلَامِ / امْرَأَةٍ / مُعَمَّرَةٍ / مُزَارِعِ / تَلْمِيذِ / رَائِحَةِ
 حاسوبِ / أَبْنَاءِ / أَلْفَانِ / أَزْهَارِ / أَسَاوِرِ / إِعْصَارِ / تَبْجِيلِ / سَاحَاتِ / كِبَائِرِ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرامی داشتن	(۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کهنسال	(۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ستیز می کند	(۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یاد دادن	(۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کشاورز	(۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جشن ها	(۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دانش آموز	(۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زن	(۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بو	(۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دو هزار	(۱۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گردباد	(۱۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گناهان بزرگ	(۱۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	میدان ها	(۱۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دویست	(۱۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فیلم ها	(۱۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رایانه	(۱۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبندها	(۱۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فرزندان	(۱۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شکوفه ها	(۱۹)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«.....»

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- أَلْفِشْر □ أَلَلْب □ أَلْوَوِي □ أَلْغَاز □
- ٢- أَلْيَد □ أَلرَّأْس □ أَلْقَدَم □ أَلسِّيَاج □
- ٣- أَلإِثْم □ أَلذَّنْب □ أَلْحِصَّة □ أَلْخَطِيئَةُ □
- ٤- أَلثَّعَلَب □ أَلكَلْب □ أَللَّيْن □ أَلذُّب □
- ٥- أَلزُّيُوت □ أَلْمَزَارِع □ أَلْعَامِل □ أَلْمُوظَّف □
- ٦- أَلسَّرُوال □ أَلْقَمِيص □ أَلْفُسْتَان □ أَلسَّمَك □

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صَغْرِي. (أَلْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ وَ أَلْمَفْعُولَ)

٢- عَصَفَتْ رِيَا حُ شَدِيدَةً حَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ. (أَلْمَفْعُولَ وَ أَلْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرَنَامَجًا^١ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. (أَلْمَفْعُولَ وَ أَلْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٤- أَلْكِتَابُ صَدِيقِي يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (أَلْمُبْتَدَأَ وَ أَلْخَبَرَ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. (أَلْجَمْعَ الْمَكْسَرِ وَ نُونَ الْوَقَايَةِ)

۱- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ الْحُجُرَات: ۱۱

۲- عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْتُمْ تَسَلَّمْتُمْ مِنَ الزَّلَلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الف) تا مرد سخن نگفته باشد عیب و نمرش نهفته باشد (مدعی شیرازی)

ب) سخن کان از سر اندیشه ناید نوشتن را و گفتن را نشاید (نظامی گنجوی)

ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به موی کشی (مدعی شیرازی)

د) خلایق را به القابی که زشت است بخواند هر که او نیکو سرشت است (مدعی الهی قمشای)

ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است زان است که عیب خویش نشاخته است (اسئال و حکم دجند)

التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.

مواضع	أولياء	ساحات	أساور	زيت	رياح
.....
أقوال	عقول	مخاطبين	آداب	تهم	نصوص
.....

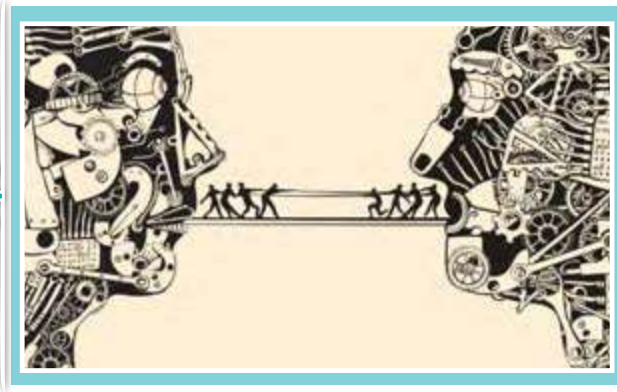
التمرين الثامن: ضع المرادفات والمضادات في الفراغ المناسب. (=) (≠)

امتلاً / شاطئ / مزارع / إنم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كلم / ترفع / سديد / مودة

..... = ساحل = ذنب ≠ فرغ = فلاح
..... ≠ سكت = مستور ≠ كبر = تكريم
..... ≠ تنزل = صحيح = نور = حب

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثٍ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ...﴾ الأَنْعَامُ: ١٢٢

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى...﴾ الْأَحْقَافُ: ٣٠

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ٧٣

- ١-
- ٢-
- ٣-
- ٤-
- ٥-





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الزُّمَرُ: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی
نمی کند.



الْكَذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُوَاجِهُ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً، وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكَذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كَذْبُكَ لِلْآخَرِينَ، فَتَفْشَلُ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكَذْبِ:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ

سَيَارَتَنَا اُنْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا اِطَارٌ اِخْتِيَابِيٌّ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَارَةٌ تَنْقُلُنَا اِلَى اَلْجَامِعَةِ، وَ نَحْنُ
اَلْآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ اَلْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ اَلْحُضُورَ فِي اَلْاِمْتِحَانِ فِي اَلْوَقْتِ
اَلْمُحَدَّدِ.

وَ اَفَقَ اَلْاُسْتَاذُ اَنْ يُوجِّلَ لَهُمُ اَلْاِمْتِحَانَ لِمُدَّةِ اَسْبُوعٍ وَاوْحِدٍ، فَفَرِحَ الطُّلَابُ بِذَلِكَ؛ لِاَنَّ خُطَّتْ لَهُمْ
لِتَأْجِيلِ اَلْاِمْتِحَانِ نَجَاتٌ.

فِي اَلْاَسْبُوعِ التَّالِيِ حَضَرُوا لِلْاِمْتِحَانِ فِي اَلْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ اَلْاُسْتَاذُ مِنْهُمْ
اَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ اَلْاِمْتِحَانِ، ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ اَوْرَاقَ اَلْاِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:

- ١ لِمَاذَا انْفَجَرَ الإِطَارُ؟
- ٢ أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
- ٣ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
- ٤ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
- ٥ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحِلُّوا مُشْكِلتَكُمْ؟
- ٦ كَمَ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الإِطَارِ؟
- ٧ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
- ٨ هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

حَجَّلَ الطُّلَابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ، نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَقَالَ:
مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ. **عَاهِدَ** الطُّلَابُ أُسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا، وَقَالُوا لَهُ نَادِمِينَ:
تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.



فَرَّرَ : قرار گذاشت (مضارع: يُفَرِّرُ) كُنُّ : باش لُنْ : حرف نشانه آینده منفی مُحَدِّد : مشخص شده مَقَالَ : گفتار = قَوْل، کلام نَدَبٌ : فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ) وَاجَهٌ : روبه رو شد (مضارع: يُوَاجِهُ) وَزَّعَ : پخش کرد (مضارع: يُوَزِّعُ)	سَاقٌ : رانندگی کرد (مضارع: يَسُوْقُ) صُعُوبَةٌ : سختی ≠ سُهولة صَمِيْنٌ : ضمانت کرد (مضارع: يَصْمِنُ) عَاهِدٌ : پیمان بست (مضارع: يُعَاهِدُ) عِدَّةٌ : چند فَشِلٌ : شکست خورد (مضارع: يَفْشِلُ)	أَجَلَ : به تأخیر انداخت (مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر: تَأْجِيلُ)= أَخَّرَ إِضْطَرَّ : ناگزیر کرد (مضارع: يَاضْطَرُّ) تُضْطَرُّ : ناگزیر می شوی إِطَارٌ : تایر، چارچوب إِطَارٌ اِخْتِيَاظِيٌّ : چرخ یدکی تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ) خُطَّةٌ : نقشه، برنامه «جمع: خُطَطٌ» زَاوِيَةٌ : گوشه «جمع: زَوَايَا»
---	--	--

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجِّلَ الْإِمْتِحَانَ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ؟

.....

۲- مَاذَا قَالَ الرَّجُلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ إِلَيْهِ؟

.....

۳- مَا قَالَ الطُّلَابُ لِأُسْتَاذِهِمْ نَادِمِينَ؟

.....

۴- مَنْ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحْ»؟

.....

۵- كَيْفَ اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ؟

.....

۶- لِمَاذَا فَرِحَ الطُّلَابُ؟

.....



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ» که «گي، لِ، لِيْگي، حَتَّى» تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می کنند؛ فعل هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می شوید	لِيْگي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می دهد	لِيَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: می روند	گي يَذْهَبْنَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:

تَنَالُونَ: دست می یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

این حروف در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف ناصبه نام دارند)، نشانه انتهای فعل های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می دهند. ← «... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ»

و حرف نون را در انتهای فعل های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِيْنَ» حذف می کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی کنند.

١ ﴿ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٦

.....

.....

٢ ﴿ ... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ ... ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٤

.....

.....

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.
الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

.....

.....



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في الصيدليّة^١)

الصِّدْلِيّ	الْحَاجُّ
أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ: مِحْرَارًا ^٣ ، حُبُوبَ مُسَكَّنَةً لِلصُّدَاعِ، حُبُوبَ مُهَدِّئَةً، كِبْسُولَ أَمْبِيَسِيلِينَ، قُطْنًا ^٤ طِبِّيًّا، مَرْهَمًا ^٥ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ ^٦ ... لَا بَأْسَ، وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيَسِيلِينَ.	عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ وَ أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ ^٢ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ.
لِأَنَّ بَيْعَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ. لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟	لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟
رَجَاءً، رَاجِعِ ^٨ الطَّبِيبَ؛ الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.	أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ يَا حَضْرَةَ الصِّدْلِيّ ^٧ .



٣- المِحْرَار: دماسنج

٦- الْجِلْد: پوست

٢- الْأَدْوِيَةَ: داروها، مفرد: الدَّوَاء

٥- مَرْهَم: پماد

٨- رَاجِع: مراجعه کن

١- الصِّدْلِيَّة: داروخانه

٤- الْقُطْن: پنبه

٧- حَضْرَةَ الصِّدْلِيّ: جناب داروخانه‌دار

التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ فِعْلٍ مِنْ أفعالِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ يُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةَ؟

١- شاهَدَ وَجْهاً لِوَجْهِهِ.

٢- ظَهَرَ وَ صارَ واضِحاً.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطاهُ عَهْداً وَ قَولاً بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئاً.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ ما قَصَدَهُ مَعَ التَّأخِيرِ.

التَّمرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحاديثِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لا تَغْتَرَّوا^١ بِصَلاتِهِمْ وَلَا بِصِيامِهِمْ^٢ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَداءِ

الْأمانَةِ. الْإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلَ الْأَمْرِ، وَ فِعْلَ النَّهْيِ)

٢- لا تَسْتَشِرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرابِ يُقَرِّبُ^٤ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ^٥ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمَ الْمُبَالَغَةِ)

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ما لا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاِحْتِيالِهِ^٦. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (أَنْفَاعِل)

٤- لا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ ما سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلَ النَّهْيِ)

١- لا تَغْتَرَّوا: فَرِيبَ نَخورِيد ٢- الصِّيَام: رَوزَه ٣- لا تَسْتَشِرْ: با ... مَشورَتِ نَكِن

٤- يُقَرِّبُ: نَزْدِيكِ مِى سَازَد ٥- يُبْعِدُ: دَورِ مِى سَازَد ٦- اِلْحَتِيال: فَرِيكاري

التَّمرينُ الثَّالثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- مَقَال كَلَام قَوْل إِطَار
- ٢- كَلَّمَ حَدَّثَ كَمَّلَ تَكَلَّمَ
- ٣- جُدُوع تَأْجِيل أَنْمَار أَعْصَان
- ٤- يَغْرِسُ يَنْبُتُ يَزْرَعُ يَخْنُقُ
- ٥- أَحْمَر أَسْوَدَ أَحْضَرَ أَكْرَمَ

التَّمرينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الْأَعْرَافُ: ٨٧

.....

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الْفَتْحُ: ١٥

.....

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيٰ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْأَحْزَابُ: ٤٣

.....

(الْجَارَّ وَالْمَجْرُورَ)

.....

٤- ﴿... لِكَيْلَا^٢ تَحْزَنُوا عَلٰى مَا فَاتَكُم^٣ ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٥٣

.....

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا^٤ الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٩٢

.....

(الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ)

.....

١- يُصَلِّي: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لِكَيْ+لا ٣- فَاتَ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْجُمَلَ التَّالِيَةَ.

- ١- اجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ:
- ٢- تَجَلِسُ مَعَ زَمِيلِكَ:
- ٣- اصْبِرْ لِكَيْ يَجْلِسَ:
- ٤- جَالِسٌ خَيْرَ النَّاسِ:
- ٥- لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ:
- ٦- لَنْ يَجْلِسَنَ هُنَا:
- ٧- أُرِيدُ أَنْ أَجْلِسَ:
- ٨- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ:

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْجُمُوعِ التَّالِيَةِ.

صُعُوبَات	أَحْيَاء	أَفْاضِل	خُطَط	أَدْوِيَّة
.....
أَعْمَال	إِخْوَان	عُيُوب	أَسَاتِدَة	أَصْدِقَاء
.....
أَخْلَاق	طُلَّاب	إِجَابَات	أَسَابِيع	أَسْئَلَة
.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِنْحَتْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ فُتْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.





الدَّرْسُ السَّادِسُ



تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُحَتَّ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.
یادگیری هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.



نَعُدُّ الدُّكْتُورَةَ «آته ماري شيمل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.

وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ

مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ. كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ

عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلْسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛

تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شِيمِلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِقَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاقِ

عَلَيْهِ. وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ

مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامْ أَبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّمَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ

الأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثْلًا لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ:

«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

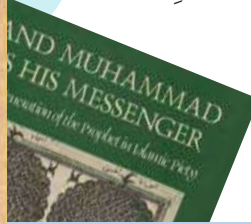
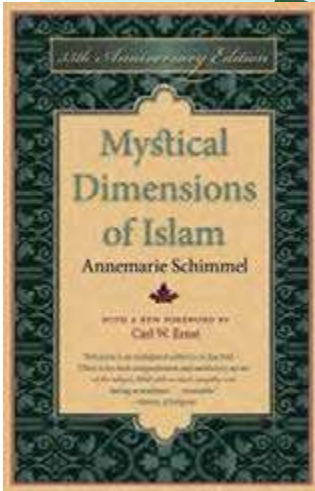
أَلْفَتْ شِيمِلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الْبَلْخِيِّ.

هي كانت تُحِبُّ العَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ حَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُشْكَلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ الأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُجِ بَيْنَ أوروْبَا وَ العَالَمِ الإِسْلَامِيِّ» وَ «الِاتِّحَادَ بَيْنَ الحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الأَدْعِيَةِ الإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:
«أَنَا أَقْرَأُ الأَدْعِيَةَ وَ الأحَادِيثَ الإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُزْءَ تَرْجَمَتِهَا».

هي أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«الْتَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا».
رَسُولُ اللّهِ ﷺ

أُرْدِيَّة : زبان اردو

أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)

أَلْقَى : انداخت (مضارع: يُلْقِي)

كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد

إِنْجِلِيزِيَّة : انگلیسی

أَنْقَرَةَ : آنکارا

أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يوصي)

ثَقَافِي : فرهنگی

«ثَقَافَةٌ: فرهنگ»

حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ)

حَضَارَةٌ : تمدن

دُكْتَوْرَاه : دکترا

شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)

شَهَادَةٌ : مدرک

عَدَّ : به شمار آورد، شمرد

(مضارع: يَعُدُّ)

فَخْرِيَّة : افتخاری

فَرَنْسِيَّة : فرانسوی

قَارِبَ : نزدیک شد

«مَا يُقَارِبُ: نزدیک به»

مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی

مَدَّ : کشید، گسترش داد

مُسْتَشْرِق : خاورشناس

مُعْجَبَةٌ بـ : شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجَبُ)

مُقَابَلَةٌ : مصاحبه

مُنْدٌ : از هنگام

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلِ؟

۳- كَمْ كِتَاباً وَ مَقَالَةً أَلَفَتْ شَيْمِلُ؟

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَّلَاءَهَا؟

۵- أَيَّنَ وُلِدَتْ شَيْمِلُ؟

اعلموا

تَرْجِمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ، لَ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است	يَسْمَعُ: می‌شنود
لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید	تَذْهَبُونَ: می‌روید
لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید	تَكْتُبْنَ: می‌نویسید

- حرف «لِ امر» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

لِنَرْجِعْ: باید برگردیم	نَرْجِعُ: برمی‌گردیم
لِيَعْلَمُوا: باید بدانند	يَعْلَمُونَ: می‌دانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

لَا تَيْأَسْ: ناامید نشو	تَيْأَسُ: ناامید می‌شوی
لَا تُرْسِلُوا: نفرستید	تُرْسِلُونَ: می‌فرستید

- همین حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

لَا يُسَافِرُونَ: نباید سفر کنند	يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند
----------------------------------	---------------------------

- حروف «لَمْ، لَ، لا» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و تَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَفْعَلُ... تَفْعَلُ... أَفْعَلُ و ... تَفْعَلُ﴾ و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلِينَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ : ١١

۳ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چند نکته:

■ **نکته (۱)** : فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ **نکته (۲)** : ترجمه فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه‌هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لِتَعَلُّمِ دُرُوسِهِمْ فَلِيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ

لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند و باید این را

بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ **نکته (۳)** : حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لِهَما، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكِنَّ، لَكُما، لَنَا.

در «لي» این گونه نیست.

■ نکته (۴): تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»
 «لِ» به معنای «برای» مانند «اِشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».
 «لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
- ۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».
 «لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، ف» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:
 ف + لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ.

- ۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الْفَاتِحَةُ: ۲
 ۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.
 ۳ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.
 ۴ لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ؟

التمرين الأول: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من كلمات معجم الدرس.

- ١- كانت شيمل منذ طفولتها مشتاقة إلى كل ما يتعلّق بالشرق و بإيران.
- ٢- الدكتوراه هي شهادة تُعطى لشخص تقديراً لجهوده في مجال معين.
- ٣- إن ثاني أكبر مدينة في تركيا بعد إسطنبول.
- ٤- الشعبُ الباكستاني يتكلم باللغة
- ٥- اللغة الرسمية في بريطانيا

التمرين الثاني: عيّن الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى.

- ١- الأسبوع الشهر الثقافة السنة
- ٢- الأردية الإنجليزية الفرنسية الفخرية
- ٣- الرّميل القميص الصديق الحبيب
- ٤- القرية المدينة البلاد النيام
- ٥- الشهادة الطفولة الصّغر الكبر
- ٦- القبط الرّمان التفاح العنب

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ الثَّلَاثِيَّةَ، ثُمَّ ائْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.
- ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الْحُجُرَات: ۱۴
بادیه‌نشینان گفتند: ...

- الف) ... «ایمان می‌آوریم». بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم».
- ب) ... «ایمان آوردیم». بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم».

۳- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الرَّؤْم: ۵۲

- الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟
- ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾
سورهٔ الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

- الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.
- ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است.

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ ۱ مِنْ جُوعٍ ۲ وَأَمَّنَّهُمْ ۳ مِنْ خَوْفٍ﴾

سورَةُ قُرَيْشٍ

پس پروردگار این خانه را...

- الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- ب) ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



۳- آمَنَ: ایمن کرد، ایمان آورد

۲- الْجُوع: گرسنگی

۱- أَطْعَمَ: خوراک داد

التمرين الرابع: صَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّفَقُّمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ مِهْرَجَانًا حَضَارَةً
- ٢- أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شِيمِل. أَشَارَ أَثَارَ
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةَ الْثَّقَافَةَ
- ٤- أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شِيمِل. مُحَاضَرَةً مُسْجَلًا
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الرِّمِيلَ الْمِضْيَافُ

التمرين الخامس: اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَيَاسَ كَي تَيَاسَ لَا تَيَاسَ
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرْ لِكَي أُسَافِرَ
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سُوقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أَذْهَبَ لَمْ أَذْهَبْ إِنْ أَذْهَبَ
- ٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ مَارَجَعَ لَمْ يَرْجِعْ
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ لَا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ النَّبِيِّ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. أَلِإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِإِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِإِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَلِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَلِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

- | | |
|---|---|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون در | تا زانک تو جهان شود پر (نظامی گنجای) |
| ب) علم کنز اعمال نشانش نیست | کالبدی دارد و جانش نیست (امیر خسرو دهلوی) |
| ج) اندازه نکه دار که اندازه نکوست | هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی) |
| د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قائم مقام فراهانی) |
| ه) آسایش و و کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروّت با دشمنان مدارا (حافظ) |
| و) دشمن دانما که غم جان بود | بتر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجای) |

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعِ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَةٌ/ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ/ الْحَضَارَةُ/ فَخْرِيَّةٌ/ مُنْذُ/ الْمُسْتَشْرِقُ/ مُحَاضِرَةٌ/ شَهَادَاتٍ)

- ١- مَا رَأَيْتُ جِرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.
- ٢- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنَ الصَّفِّ السَّابِعِ.
- ٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثِقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَّابِ.
- ٤- كَانَتْ السُّومَرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.
- ٥- أَلِدُّكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُّصِ فِي الْجَامِعَاتِ.
- ٦- إِنَّ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْعَرَبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.



■ اُكْتُبْ عَنْ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارِسِيَّةَ أَوِ الْعَرَبِيَّةَ.



هانري كوربن (هنري كوربين)

Henry Corbin



رينولد نيكلسون

Reynold Alleyne Nicholson



يوهان گوته

Johann

Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي

Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو

Toshihiko Izutsu



إدوارد براون

Edward Granville Browne

«يوهان گوته» هُوَ أَحَدُ أَشْهَرِ أَدْبَاءِ أَلْمَانِيَا، وَ الَّذِي تَرَكَ إِرْثًا أَدْبِيًّا وَ ثَقَافِيًّا عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ.

«رينولد نيكلسون» هُوَ مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ. حَبِيرٌ فِي التَّصَوُّفِ وَ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، وَ يُعْتَبَرُ مِنْ أَفْضَلِ الْمُتَرْجِمِينَ

لِالشَّعْرِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ.

«هنري كوربين» فِيلَسُوفٌ وَ مُسْتَشْرِقٌ فَرَنْسِيٌّ اِهْتَمَّ بِدِرَاسَةِ الْإِسْلَامِ. أَسَّسَ فِي فَرَنْسَا قِسْمًا لِتَارِيخِ إِيرَانَ.

«إدوارد براون» مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ نَالَ شُهْرَةً وَاسِعَةً فِي الدَّرَاسَاتِ الشَّرْقِيَّةِ وَ كَانَ يَعْرِفُ الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا.

«توشي هيكو ايزوتسو» أَوَّلُ مَنْ تَرَجَّمَ الْقُرْآنَ إِلَى اللُّغَةِ الْيَابَانِيَّةِ. وَ كَانَ يَعْرِفُ ثَلَاثِينَ لُغَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ.

«فلاديمير مينورسكي» مُسْتَشْرِقٌ رُوسِيٌّ. أَسْتَاذٌ فِي دِرَاسَةِ الْفَارِسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ.¹



آلِدْرَسُ السَّابِحِ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *
خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤
خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن
گفتن را به او آموخت.

تأثير اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ



الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسِيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التُّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ، وَكَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبُضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمِسْكِ وَالدِّيَابِجِ. وَاشْتَدَّ النَّقْلُ مِنَ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيْرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

وَ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نَفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ أَمْتَالِ أَبِي مُسْلِمِ الْخُرَّاسَانِيِّ وَ آلِ بَرْمَكٍ. وَ كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الْكُتُبِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ، مِثْلَ كَلِيْلَةِ وَ دِمْنَةِ.

وَ لِلْفَيْرُوزِ أَبَادِيِّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ يَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. وَ قَدْ بَيَّنَّ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ أبعادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ، فَقَدْ أَلَّفَ الدُّكْتُورُ

التونجي كتاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ الْمُعَرَّبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمَ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ».

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصَوْنُهَا وَ أوزَانُهَا، وَ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفُقًا لِأَلْسِنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَّلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسيَّةَ «گ، چ، پ، ز» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِيس ← فِرْدَوْس، مِهْرگان ← مِهْرَجَان، چادْرَشَب ← شَرَشَف وَ ...

وَ اسْتَقْوَا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى، مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسيَّةِ.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا عَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ إِزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

الْفَارِسيَّةُ



مُفْرَدَات : واژگان مِسْك : مُشْك نَطَقَ : بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ) نَقَلَ : منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ) وَفَقَأَ لـ : بر اساس يَضُمُّ : در برمی گیرد (ماضی: صَمَّ)	تَغَيَّرَ : دگرگون شد (مضارع: يَتَغَيَّرُ) دَخِيل : وارد شده دِيبَاج : ابریشم شَارَكَ : شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ) مُعَرَّبٌ : عربی شده	إِزْدَادٌ : افزایش یافت (مضارع: يَزْدَادُ) إِشْتَدَّ : شدت گرفت (مضارع: يَشْتَدُّ) إِشْتَقَّ : برگرفت (مضارع: يَشْتَقُّ) إِنْضَمَّ : پیوستن (انضمَّ، يَنْضَمُّ) بَيَّنَّ : آشکار کرد (مضارع: يَبَيِّنُ)
--	--	---

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

- ۱- لِمَاذَا إِزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟

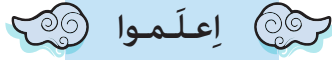
- ۲- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

- ۳- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

- ۴- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

- ۵- مَتَى إِزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

- ۶- مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «كَنْز»؟



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كان** چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»؛ مثال: كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.

۲- به معنای «است»؛ مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَاب: ۲۴

بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

۴- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و

«كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».

۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةٍ. انگشتر نقره داشتم.

كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

■ **صارَ و أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع صارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ»

است؛ مثال:

﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً﴾ الْحَجَّ: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ ^۲ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۲- نَظَّفَ: تمیز کرد

۱- الْمُخْضَرَّة: سرسبز

■ لَيْسَ یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آل عمران: ۱۶۷

با دهان هایشان چیزی را می‌گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

۱ ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ مريم: ۵۵

۲ ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الإسراء: ۳۴

۳ ﴿... يَقُولُونَ بِاللَّسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْح: ۱۱

۴ ﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الْأنعام: ۵۳

۵ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِللسَّائِلِينَ﴾ يوسُف: ۷

۶ ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۳

۳- أَلْفٌ: همدل کرد، به هم پیوست

۲- آیات: نشانه‌ها

۱- أَوْفُوا: وفا کنید

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (مَعَ الطَّيِّبِ)

الْمَرِيضُ

الطَّيِّبُ

أَشْعُرُ بِالْأَلَمِ^١ فِي صَدْرِي، وَ عِنْدِي صُدَاعٌ.

مَا بِكَ؟

مَا عِنْدِي صَغَطُ الدَّمِّ وَ لَا مَرَضُ السُّكَّرِ.

أَ صَغَطُ الدَّمِّ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟

بَعْدَ الْفَحْصِ يَقُولُ الطَّيِّبُ:

مَاذَا تَكْتُبُ لِي، يَا حَضْرَةَ الطَّيِّبِ؟

أَنْتَ مُصَابٌ^٢ بِزُكَامٍ^٣، وَ عِنْدَكَ حُمَّى^٤ شَدِيدَةٌ. أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.

مِنْ أَيْنَ اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ؟

أَكْتُبُ لَكَ الشَّرَابَ وَ الْحُبُوبَ الْمُسَكِّنَةَ.

شُكْرًا جَزِيلًا.

اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ فِي الصِّدَالِيَّةِ الَّتِي فِي نِهَائِهِ مَمَرٌ الْمُسْتَوْصَفِ.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

تَتَحَسَّنُ^٥ حَالُكَ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ.

مَعَ السَّلَامَةِ.



١- الأَلَم: درد ٢- المصَاب: دچار ٣- الزُّكَام: سرماخوردگی شدید ٤- الحُمَّى: تب ٥- تتَحَسَّنُ: خوب می‌شود

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ x

١- أَلْمِسْكَ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.

٢- أَلشَّرَشْفُ قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.

٣- أَلْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.

٤- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِائَاتُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.

٥- أَلَّفَ الدُّكْتُورُ أَلْتُونْجِي كِتَاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

١- تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. الف. هر چه پیش آید خوش آید.

٢- أَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.

٣- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.

٥- أَلصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل برود هر آنکه از دیده رود.

٦- أَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. و. بَرَدَ كَشْتِي أَنْجَا كِه خَوَاهِدِ خَدَايِ وَگَر جَامِه بَر تَن دَرَدِ نَاخَدَايِ

١- تَشْتَهِي: می خواهد، میل دارد

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ..... ٧- أَكْتُبْ بِحَطِّ وَاضِحٍ.....
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ..... ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.....
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا..... ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.....
- ٤- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحُ..... ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللُّوحِ.....
- ٥- يُكْتُبُ مِثْلَ عَلَى الْجِدَارِ..... ١١- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.....
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.....

التمرين الرابع: اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ الْمُبَالِغَةِ، اسْمُ الْمَكَانِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ نوح: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...﴾ الرَّحْمَنُ: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْحُسْنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. الْإِمَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٦- يَا رازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

(الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم.

(ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

الِاسْمِ النَّكِرَةِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

۲- ﴿...وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۲

(الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.

(ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.

الِاسْمِ النَّكِرَةِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

۳- ﴿...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النبأ: ۴۰

روزی که ...

(الف) ... آدمی آنچه را [با] دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم.

(ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم.

الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكَرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

(الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند.

(ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند.

الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ:

۵- کُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم.

ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره‌ی موضوع نمی‌دانستم.

الْمَفْعُولُ، وَ الْجَارُّ وَ الْمَجْرُورُ:

لِلْمُطَالَعَةِ

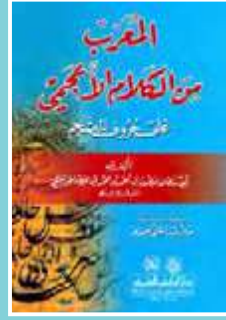
الْمُعْرَبَاتُ الْفَارْسِيَّةُ

إِبْرِيْسَم: إِبْرِيْشَم / إِبْرِيْق: آْبْرِيز / أَرْجَوَانِي: أَرْغَوَانِي / أَسْتَاذ: أَسْتَاذ / إِسْتَبْرَق: سِتَبْرَق / أَسْطُوَانَة: أَسْطُوَانَه / بَابُوْنَج: بَابُوْنَه / بَخْشِيْش ← بَخْشِيْش (بِالْفَارْسِيَّة: اِنْعَام) / بَابُوْج (نَوْعٌ مِّنَ الْجِدَاءِ) ← پاپوش / بَاذْنَجَان: بَاتِنْكَان (بِالْفَارْسِيَّة: بَادِمْجَان) // بَرِيْط: (بِرِ الْفَارْسِيَّة: سِيْنَه + بَت: بِالْفَارْسِيَّة: أَرْدَك) مِّنْ أَلَاتِ الْمَوْسِيْقَى / بَرَزْخ ← بَرَزْ أَخُو (أَلْعَالَمُ الْأَعْلَى: جِهَانُ بَالَا) // بَرْنَامَج: بَرْنَامَه / بَرَوَاز ← پَرَوَاز: قَاب / بَرِيْد ← بُرِيْدَه دُم: پُسْت / بُسْتَان: بُوْسْتَان / بَغْدَاد: بَغ + دَاد (خَدَادَاد) / بُوْسَة ← بُوْسَه / بَهْلَوَان ← پَهْلَوَان (بِالْفَارْسِيَّة: بَنْدَبَاز) // بَس: بَس / بَط: بَت (بِالْفَارْسِيَّة: اَرْدَك) / بَلُوْر: بَلُوْر / بَنْفَسَج: بَنْفَسَه / تَارِيْخ: تَارِيْكَ / تَتْوِيْج: تَاجْ كِذَارِي ← تَاج / تَخْت: تَخْت / تَرْجَمَان (تَرْجَمَة) ← تَرْزُبَان / تَنْوَر: تَنْوَر / تُوْت: تُوْت / جَامُوْس: گَاوْمِيْش / جَزْر: گَزْر / جَص: گَج / جَلَاب: گَلَاب / جُلْنَار: گُلْنَار / جُنَاح: گُنَاه / جُنْدِي: گُنْدِي / جُوْرَاب: گُوْرِيَا (گُوْرَاب) // جُوْز: گُوْز (بِالْفَارْسِيَّة: گِرْدُو) / جَوْشَن ← جَوْشَن: زَرَه / جَوْهَر: گَوْهَر /

حَرْبَاء: هوربان (هور: خور «خورشید») / خَانَّة: خانه (بُيُوتٌ فِي لُعْبَةِ الشُّطْرَنْجِ) / حَنْدَق: گندگ / دِجَلَّة:
 تیگره (تند و تیز) / دَرُوش: درویش / دَسْتُور ← دَسْتُور: قانون / دِیاج: دیا / دین: دین / رازیانج:
 رازیانه / رُزُق ← رُوچِیک، روزیک «روزی» / رُوْزَنَامَة ← رُوْزَنَامَه (بِالْفَارْسِيَّةِ: تَقْوِيم) / رُوْزَنَة ← رُوْزَنَه /
 رَهْنَامَج: راهنما (دَلِيلٌ لِلسَّفَرَاتِ الْبَحْرِيَّةِ) / زَرَكَش ← زَرَكَش: نَسَجَ الْقَمَاشِ بِحُيُوطٍ مِنَ الذَّهَبِ:
 تارهای زر به پارچه کشید) / زَمَان: زمان / زَمَهْرِيْر: بسیار سرد / زَنْبِيْل: (زَنْ: اِمْرَاةٌ + بَال: يَد = عَلَي
 يَدِ الْمَرْأَةِ) / زَنْجَار: زَنگَار / سَادَج: ساده «سَدَاجَة: سادگی» / سَاعَة: سایه / سَجِيْل: سنگ گِل / سَخَط:
 سَخْت (الْعَضْبُ الْكَثِيْرُ) / سِرَاج: چِراغ / سُرَادِق: سَرَايْرَدَه / سَرَحْس: سَرَحْس / سِرْدَاب: سِرْدَاب (زیر زمین:
 بِنَاءٌ تَحْتَ الْأَرْضِ) / سَرْمَد: سَرَامَد (بی آغاز و پایان: مَا لَا أَوَّلَ لَهُ وَ لَا آخِرَ) / سِرْوَال: سَلْوَار / سَكَّر:
 سِکَر / سَكَنْجَبِيْن: سِرکه انگبین / سَلْجَم: سَلْجَم / سَنْجَاب: سَنْجَاب / سَوَسْن: سَوَسْن / شَاشَة: صفحه
 تلویزیون ← شیشه / شاهین (صَقْر): شاهین / شَوَنْدَر: چُغَنْدَر / شَهْدَانِج: شاهدانه / شِيء ← شِيء: چیز /
 صَفَق: دست زد ← چِپْک / صَلِيْب ← چَلِيْبَا / صَنْج: چنگ، سنج / طَاَنْج: تازه / طَسْت: تَشْت /
 عَبَقْرِي ← آبکاری / عَفْرِيْت ← آفرید / فِرْجَار، بَرْكَار ← بَرْكَار / فُسْتَق: پسته / فِلْفِل: پِلپِل / فُولاد: فولاد /
 فَيْرُوْز ← پيروز / فَيْرُوْج: فيروزه / فِيل: پیل / گَاس: کاسه / کَافور ← کاپور / کَهْرَبَاء: کاه رُبَا / کَنْز:
 گنج / لِبْجَام: لگام / مِحْرَاب: مِهْرَاب / مِسْک ← مَشْک: مَشْک / مِيْزَاب ← مِيْزَاب: ناودان «گَمِيْز+آب» /
 نَارَنْج ← نار رنگ: نارنج / نَسْرِيْن: نَسْرِيْن / نِفْط: نِفْط / نَمَارِق: بالشها (جَمْع نَرْمَك) / نَمُوْدَج:
 نمونه / وَرْد ← وَرْد: وِزِيْر / وِجِيْر / هَنْدَسَة: اندازه

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اَكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً اَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ اَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيُّهَا الْأَحْبَاءُ، نَسْتَوْدِعُكُمْ^١ اللَّهَ، إِلَى اللَّقَاءِ،
سَنَلْتَقِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النِّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوْدِعُ: مِي سَبَارِيم ٢- نَلْتَقِي: دِيدَار مِي كَنِيم ٣- نَتَمَنَّى: آرزو مِي كَنِيم

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قلندریان	خراسان رضوی	۲۴	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی
۲	مهدی شفاپی	آذربایجان شرقی	۲۵	اسماعیل رسایی	کرمان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان	۲۶	سید صدرالدین جنید	مرکزی
۴	یوسف فاضل	گلستان	۲۷	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران
۵	زهره آذری	کردستان	۲۸	علی یازرلو	گلستان
۶	یعقوبعلی آقاعلی پور	آذربایجان شرقی	۲۹	مصطفی احمدپناه	سمنان
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۳۰	محمد داورپناهی	خراسان شمالی
۸	شکوفه کمانی	مرکزی	۳۱	محمد مهدی سربلند	خراسان رضوی
۹	فاطمه رامشی	کرمانشاه	۳۲	علیرضا صیاد	خراسان شمالی
۱۰	زهرا علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۳۳	شهلا اسماعیلیان	اصفهان
۱۱	زهرا سالک‌نژاد	فارس	۳۴	حسن علی شربتدار	سمنان
۱۲	طیبه احمدپور	خراسان جنوبی	۳۵	ابراهیم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۴	سمیره داراخانی	ایلام	۳۷	اکبر میرکی‌پور	هرمزگان
۱۵	آذر صمدی طاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۳۸	حسین منصوری	اصفهان
۱۶	خسرو گروسی	کرمانشاه	۳۹	فاطمه عامری	قم
۱۷	فاطمه زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۴۰	پانته‌آ امیرپاشایی	شهر تهران
۱۸	مرجان کرد	خوزستان	۴۱	عبدالله اخلاصی	قزوین
۱۹	طیبه عباسی	فارس	۴۲	محمدتقی جهانی مهر	همدان
۲۰	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۴۳	هوشنگ جعفر دوست	گیلان
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۴	رسول خَمَر	سیستان و بلوچستان
۲۲	سیمین پروازیان	اصفهان	۴۵	اسکندر حسین‌زاده	شهر تهران
۲۳	حکیمه ایرانمنش	هرمزگان	۴۶	سهیلا اکبری	کهگیلویه و بویراحمد